بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيم‏

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ‏ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَيِّدَنَا وَ نَبِیِّنَا أبُوالقَاسِم مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَی أهْلِ بَیْتِ الطّاهِرين وَ لَعْنَةُ اللهِ عَلی اَعْدَائِهِم اَجمَعينْ

در مسائل هبه که عرض میشد عرض شد که در بعضی شرایط رجوع می‌تواند داشته باشد اون کسی که هبه کرده می‌تواند رجوع کند و به ملک خودش برگرداند.مثلا در جایی که هبه به ذی رَحِم شده ولی هنوز تحویل او نداده هبه کرده ولی تحویل نداده خب اینجا می‌تواند رجوع کند یا به غیر رحم هبه کرده ولو تحویل هم داده اما او تصرف هنوز نکرده.تصرفی که ناقل باشه یعنی فروخته باشه یا تصرفی که متلف باشه از بین برده باشه و تصرفی که تغییر درش ایجاد کرده باشه اینجور تصرف نکرده باز هم می‌تواند رجوع کند.حالا رجوعش هم گاهی رجوع قولی ست گاهی رجوع عملیه رجوع قولی یعنی میگه که رجوع کردم اونی که هبه کرده بودم به ملک خودم برگرداندم.همینقدر کافیه دیگه همینقدر به لفظ که گفت رجوع کردم کافیه.یا گاهی عملا رجوع می‌کند به لفظ چیزی نمیگه همونی که داده است مثلا به اون کس مثلا غیر ذی رحم داده به او و او تصرف نکرده ازش میگیره پس میگیره عملا ازش پس میگیره خب این هم رجوعه یا همونی که هبه کرده بوده او را میفروشه به دیگری این رجوع حساب میشه دیگه اون هم با این شرط عرض شد که تحویل داده به او منتها تصرف نکرده او یا هنوز تحویل نداده دیگری میفروشه همونی که هبه کرده بوده به زید مثلا به عمر میفروشه این خودش رجوعه دیگه یعنی حق داره این کار را بکنه یا اینکه هبه کرده بوده همون را به دیگری اجاره میده این رجوعه در تمام اینها رجوع حساب میشه یعنی به همونی که داده بود هبه کرده بود از او بر میگرده به ملک خودش داخل میشه با این شرایطی که عرض شد که رَحِم اگر بود تحویل نداده باشه میشه رجوع کند یا اگر به غیر رحم بود تحویل هم داده او تصرف هنوز نکرده می‌تواند رجوع کند اون هم به همین کیفیت.یا رجوع لفظیه به لفظ میگه رجوع کردم یا اینکه عملیه همون را میفروشه همون را اجاره میده اینها رجوع عملیه و در رجوع هم لازم نیست اون طرف آگاه بشه اون طرف موهوبٌ لَه ولو بی خبر از او اصلا او هم پیش خودش رجوع کرده کافیه دیگه.بدون اینکه اطلاع به او بدهد همون را فروخته به دیگری بدون اینکه اطلاع به او بدهد اجاره داده به دیگری خب اینها رجوع حساب میشه و آگاه بودن او لازم نیست.شرعا به همین کیفیته حالا در مقام اثبات و اینها مطلب دیگریه حالا یه وقتی با هم نزاع دارن دعوا دارن او میگه من تصرف کرده بودم او میگه نکرده بودی مثلا این خب مطلب دیگری ست میخوام بگیم حکم شرعیش اینه. ما یک مسئلۀ حکم شرعی داریم یه حکم قضایی و دعوایی داریم حکم دعوایی و قضایی مطلب دیگریه حکم شرعیش اینه کسی که هبه کرده با این شرایطی که عرض شد در بعضی شرایط می‌تواند رجوع کند به ملک خودش برگرداند و رجوع هم گاهی لفظیه گاهی عملیه و در تحقق رجوع هم آگاهی اون طرف شرط نیست او چه با خبر باشه چه نباشه این بین خود و خدا شرعا اینجوریه که اگر فرد رجوع کرده کافیه.

خب شب بسیار بزرگی ست و عید فرخنده و سعادت بار است برای ما و این مکرر عرض شده در این گونه مواقع که پیش میاد ما بین تو محذور قرار میگیریم از طرفی وظیفه داریم که به سهم خودمان معرفت پیدا کنیم شناسایی پیدا کنیم به مقام و فضائل اهل بیت علیهم السلام و عرض مودّت کنیم عرض ارادت کنیم و از طرفی هم خودمان را خیلی کوچیک می‌بینیم و اونها را خیلی بزرگ می‌بینیم خود را در زمین اونها را در آسمان می‌بینیم و دست ما نمی‌رسد به دامن اون حقیقتی که دارند واقعیتی که دارند بتوانیم مدعی بشویم که معرفت پیدا کردیم شناسایی پیدا کرده ایم این هم برای ما خیلی مشکله مثل اینکه از دور خورشید را می‌بینیم خب در پرتو خورشید ما داریم زندگی می‌کنیم نور او که ما را زنده نگه داشته اما بخواهیم چشم خود را بدوزیم به چشمۀ خورشید کور می‌شویم اصلا چشم ما نمی‌تواند اون حقیقت خورشید را آنچنان که هست ولو به ظاهر هم بخواهد ببیند نمی‌تواند.تا چشم خود را به چشمۀ خورشید بدوزد یَکَادُ سَنَا بَرْقِهِ یَذْهَبُ بِالأبصَارِ[[1]](#footnote-2) چشم ها را خیره می‌کند ولذا نحوۀ معرفت ما یک معرفت شَبَهیه مثل اینکه از دور چیزی می بینیم و درست تشخیص نمی دهیم اون چیزی که از دور می بینیم چی هست مثلا مرده یا زنه آیا زشته آیا زیباست بزرگه کوچکه از دور شَبَهی می‌بینیم. براستی معرفت ما نسبت به خاندان عصمت علیهم السلام به این کیفیته ولذا بین دو محذوریم دیگه هم محذور معرفت و از طرفی محذور عجز و قصور و ناتوانی.ولذا در زیاراتشان کلماتی را هم به ما یاد داده اند که طبق گفتۀ خودشان هم بهشان عرض می‌کنیم باز هم خوب نمی‌فهمیم.مثلا در زیارتی که داریم دربارۀ صدیقۀ کبری علیه الصّلاة و السلام این جملات هست که اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا مُمْتَحَنةُ امْتَحَنَکِ اللهُ الَّذی خَلَقَکِ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَک[[2]](#footnote-3)1 سلام می‌کنیم که ای بزرگ شخصیت آسمانی که خدای تو قبل از اینکه تو را بیافریند امتحانت کرده.اون کسی که تو را خلق کرده قبل از اینکه تو را خلق کند امتحانت کرده و تو را در حوزۀ امتحانش صابر یافته است فَوَجَدَکِ لِمَا امْتَحَنَکِ صَابِرَةً خب همین مطلب میگیم در مقام زیارت اما خب حالا کی هست چجور ما می‌فهمیم شما را قبل از اینکه بیافریند امتحان کرده مثلا توجیه کنیم که دو جور خلق هست خلق عالم طبع و خلق عالم نورانیت قبل از اینکه شما را در عالم خلق بیاورد در عالم نورانیت مورد امتحان قرار داده و شما را صابر در امتحان یافته است.خب پس معلوم می‌شود در عالم قبل از این عالم طبع در عالمی حالا عالَم امر معنا کنیم عالم ربوبیت معنا کنیم هر چه یه عالمی ماورای عالم طبع وجود داشته اونم وجود جامع و کامل وجودی که میشد امتحانش کنند اونم امتحان کننده خدا باشد اون را امتحان کرده حالا یک کمالات را دیده است در او همۀ کمالات درش بوده قبل از اینکه در عالم خلق بیاد در عالم نورانیت مخلوق خدا بوده و مورد امتحان خدا قرار گرفته و پیروز هم از امتحان بیرون آمده همین مقدار.باز هم اون عالم چه عالمی ست؟و نحوۀ خلق او چجور بوده و اون کمالاتی که او داشته است که خدا به امتحانش کشیده اون کمالات چه بوده و چه کیفیتی بوده که صبر او در اون عالم و پیروزی او در اون عالم به چه کیفیت بوده همش برای ما شَبَهیه وَ نَحنُ لَکِ أَوْلِیاءُ مُصَدِّقُونَ ما عرض می‌کنیم به این شخصیّت عظیم آسمانی زهرۀ زهرا علیه الصّلاة و السّلام ما تصدیق داریم تو را تصدیق می‌کنیم و اون چه پدرت آورده وَ لِکُلِّ مَا أَتَی بِهِ أَبُوکِ وَ أَتَی بِهِ وَصِیُّهُ و اونچه که همسر بزرگوار شما وصی رسول خدا آورده همه را تسلیمیم مُسَلِّمُون و از تو می‌خواهیم وَ نَحْنُ نَسْأَلُکِ یعنی از اون مقام با عظمت صدیقۀ کبری علیه الصَّلاة و السلام میخواهیم که اگر ما را مصدق خود یافتی اگر دیدی ما راست می‌گوییم در این مطلب ما را ملحق کن به درجۀ عالیه تُلْحِقَنَا تو ملحق کن ما را.یعنی خدا به شما چنین قدرتی داده تصرف کنی در سعادت و شقاوت انسانها اونها را برسانی یا به درجۀ عالیه یا انحطاطش بدهی این در اختیار شماست از تو می‌خواهیم که اگر ما را مصدق یافتی و صادق در این تصدیق یافتی تُلْحِقَنَا بِتَصْدِیقِنَا بِالدَّرَجَةِ العَالِیَةِ پس همین مقدار ما هی اقرار می‌کنیم شما را ولایت برای شخص شما قائلیم در عالم که خداوند شما را متصرف قرار داده و تفویض امر به شما کرده کمااینکه همین مطلب تفویض امر را ما در این کتاب مرحوم کلینی کتاب کافی رضوان الله تعالی علیه اونجا هم می‌بینیم که نمونه اش هست که ابن سنان گفت خدمت امام ابی جعفر ثانی امام جواد علیه الصلاة و السلام بودم که مسائلی که مورد اختلاف شیعه هست و بحث می‌کنند من اونجا مطرح کردم بعد امام این جمله را فرمود لَمْ یَزَلْ مُتَفَرَّداً بِوَحدَانِیَّتِهِ [[3]](#footnote-4)1 خداوند در ازل که حالا ما نمی‌دانیم متفرّد بوده تنها بوده در وحدانیت ثُمَّ خَلَقَ مُحمَّداً وَ عَلِیّاً که اشاره به همون عالم انوار است و قبل از عالم خلق.در اون عالم این سه نور پاک را آفرید.حالا در این روایت از همین سه نور پاک سخن به میان آمده حالا خمسۀ طیبه هم داریم در روایات ولی در این حدیث همین مقدار به نقل مرحوم کلینی امام جواد علیه السلام فرمود که این سه نور پاک را آفرید رسول خدا و علی مرتضی علیهم السلام و صدیقۀ کبری علیها السلام این سه تا را آفرید و فَمَکَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ بعد همین سه نور پاک هزار دهر بودند و کسی نبود حالا باز هم دهر به چه معناست؟ و هزار دهر به چه معناست؟عرض شد ما تعبیراتی داریم و اقرار هم می‌کنیم اعتراف هم به اینها می‌کنیم اما به کُنه مطلب ما نمی‌رسیم خودمان را غاصر از این می‌بینیم هزار دهر بودند ثُمَّ خَلَقَ جَمِیعَ الأشْیَاءِ بعد هم خلقت سایر اشیاء بوجود آمد فَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَهَا و این سه نور پاک را شاهد خلق قرار داد که ببینید هر موجودی در کجا هست شاهد خلقند اون گونه ای که مثلا بنایی میخواد ساختمان بسازد و کسی را هم میاورد نشان بده ببین آجر اینجا سیمان اینجا آهن اینجا که تمام جزئیات این ساختمان را تحت نظر او قرار میده.خداوند حکیم سازمان عالم خلق را که میخواست که پی ریزی کند أَشْهَدَهُمْ خَلْقَهَا اونها را شاهد خلق قرار داد.ناظر خلقت و آفرینشند وَ أَجْرَی طَاعَتَهُمْ عَلَیْهَا و همۀ اونها را فرمان داد که مطیع فرمان این سه نفر باشند که هم شاهد خلقند هم مطاعند در عالم خلق وَ ذَلَّ کُلُّ شَیْءٍ لَکُم این مشیّت خدا بر این تعلّق گرفت که اونها در سازمان آفرینش ناظر باشند و شاهد باشند و هم فرمانروا باشند فرمانده باشند همون ولایته دیگه.ولایت داشته باشند در این عالم خلق که به هر گونه ای بخوان تصرف کنند فَوَّضَ أُمُورَهَا إلَیْهِم که تفویض به اونها کرد و فرمانروای مطلقشان کرد در عالم خلق هم شاهد باشند و هم فرمانده بعد فرمود اسم اون شخص راوی اسمش محمد بوده فرمود یا مُحَمَّد! هَذِهِ الدِّیانَة این دیانت است دیانت اینه خُذْهَا إلَیک یا مُحَمَّد بگیر این را از من منتهی از نا اهلش مستور نگه دار. مَن تَقَدَّمَهَا مَرَقَ وَ مَن تَخَلَّفَ عَنْهَا مُحِقَ وَ مَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ اون کس از این مقدار که من گفتم جلو بخواد بیافته این مارق است و اگر عقب بماند خود را باطل کرده و اگر ملازم باشه با این دین این به سعادت رسیده.خب حالا این چند جملاتی عرض شد که ما در زیارتشان می‌خوانیم هم در روایات می‌خوانیم اقرار و اعتراف به این حقائق داریم ولی اقرار هم داریم که قصور داریم ما نمی‌توانیم خب اون چنان که هستند بدانیم.حضرت آدم ابوالبشر و حوا علیها السلام وقتی خداوند خلق کرد طبق نقل مرحوم علامه مجلسی رضوان الله علیه که وقتی که این دو بزرگوار این ابوالبشر و ام البشر اینها در بهشت خب غرق در نعمت ها بودند چون فقط خود را دیده بودند ولذا پیش خود فکر کردند از ما زیباتر دیگه در عالم کسی نیست از ما با فضیلت تر با هم صحبت کردند حضرت آدم علیه السلام به حضرت حوا گفت که دیگه خلقی خداوند بهتر از ما ندارد در همین موقع وحی شد به جبرئیل امین که برس به داد بنده ام که این دو بنده ام اینجا خودشان را تقریبا حالا گم نکرده باشند بعد اونها را بیار به فردوس اعلی.فردوس اعلی که اون مرتبۀ عالی تر در بهشت هست وقتی وارد کردند حضرت آدم و حوا نگاه کرد دید این قصرهای این فردوس اعلی جاریه در روایت هست یعنی دختر کلمۀ جاریه بعد اونها زنی جوانی را دیدند در قصرهایی از قصور بهشتی نشسته و نور جمال او تمام این فضای فردوس را منور کرده و تاجی بر سر دارد و دو گوشواره بر گوشش.پس سؤال کردند یا جبرئیل ایشان کی هستند؟بعد جواب داد این اسمش در آسمانها منصوره است و در زمین فاطمه است و از صلب پیغمبری در آخر الزمان که از صلب تو هست اون پیغمبر او به دنیا خواهد آمد بعد هم سوال کرد اون تاج اون تاجی که بر سر دارد همسرش علی ابن ابیطالب علیه السلامه اون دو گوشواره ای که بر دو گوش دارد دو فرزندش حسن و حسین علیهم السلامه.آیا قبل از ما خلق شده قبل از ما آفریده شده جواب داد بله حالا چهار هزار سال دارد در روایت چهار هزار سال قبل از خلقت شما او را آفرید.باز همین ها عرض کردند که مقام عالی نشان می‌دهد باز درک ما قاصره فردوس اعلی مقصود چیه و بعد اون جمالی که منوِّر باشد و منوَّر کند فضای بهشتی را منظور چی هست و اینها اجبارا یه شبهی از دور به نظر ما می‌رسد.کلمۀ ام ابیها که از القاب اون وجود مقدس هست خیلی پر محتواست.توجیهاتی هم داشته اند دیگه مادر پدرش هست توجیهاتی کرده اند.شنیدم از یکی از آقایان بزرگوار محترمی که ذوقی داشت در استفادۀ از اخبار و کلمات بیانی داشتند در اینجا بیان در حد خودش لطیف بود بله ایشان می‌فرمودند در روایات که داریم زیاد داریم در روایات که خلقتشان تقدم داشته به خلقت عالم و یکی از روایات این بود که رسول خدا فرمود که اول خدا نور مرا آفرید از نور من عرش را آفریدند و از نور علی علیه السلام ملائکه و از نور فاطمه اطهر علیها السلام سماوات عرضین آسمانها و زمین.بعد ایشان می‌فرمود آسمانها و زمین طبق این روایت مولود نور زهرا علیها السلام است که او می‌شود مادر برای آسمان و زمین که مولود اوست.بعد از اون طرف آدم علیه السلام از خاک است و خاک از زمینه و زمین به انضمام آسمان ها مولود زهرا علیه السلام است بنابراین آدم ابوالبشر می‌شود فرزند زهرا علیها السلام برای اینکه او از خاک است و خاک از زمین است و زمین و آسمان طبق این روایت مولود زهرا علیها السلام است پس آدم ابوالبشر مولود زهرا علیها السلام است و زهرا سلام الله علیها مادر آدم ابوالبشر است. از طرفی هم خب این هم داریم که رسول اکرم مخلوق اول است در عالم و در عالم نورانیت هر چه در عالم است از کائنات و موجودات همه در پرتو نور وجود او بوجود آمده اند همه ریزه خوار خان نعمت او هستند بنابراین او هم در عالم نورانیت میشه پدر عالم رسول خدا در عالم نورانیت می‌شود پدر عالم و آدم همۀ اینها. در عین حال از سیر جسمانی فرزند آدم است رسول خدا از جنبۀ نورانیت پدر عالم و پدر آدم است

و انّی و ان کنت این آدم صورة فلی فیه معنی شاهد بابوتی[[4]](#footnote-5)1

گر بصورت من ز آدم زاده ام من به معنی جد جد افتاده ام[[5]](#footnote-6)2

بله به ظاهر من پسر آدمم اما در باطن جد الجد آدمم.تنها پدر آدم جد الجد آدمه

و انّی و ان کنت این آدم صورة فلی فیه معنی شاهد بابوتی

گر بصورت من ز آدم زاده ام من به معنی جد جد افتاده ام

پس او پدر عالم و آدم است ولی در سیر جسمانی فرزند آدم است در سیر جسمانی خب معلومه در صلب آدم قرار گرفته همینطور صلباً بعدِ صلبٍ بطناً بعد بطنٍ تا از صلب عبدالله و بطن آمنه علیهم السلام بدنیا آمده.پس رسول خدا در جنبۀ نورانیت پدر آدم است اما در سیر جسمانی فرزند آدم است.اما زهرای اطهر علیه السلام در سیر جسمانی هم دختر آدم نیست مادر آدم است برای اینکه آدم از خاک و خاک از زمین و زمین و آسمان مولود زهرا علیها السلام طبق اون حدیث او می‌شود مادر عالم هست اما دختر عالم نیست یعنی از صلب آنها بوجود نیامده.عجیب این روایات که اینجور نیست که نور مقدس او اصلاب و ارحام بشری را طی کرده باشه نه او مستقیما بدست قدرت حق به صلب رسول الله منتقل شده.نه مگر در شب معراج داریم که من در عالم آسمانها به معراج که رفتم سیبی بدست من دادن وارد بهشت که شدم سیب بدست من دادند اون سیب را که من دو قسمت کردم نوری از او تلألو کرد پرسیدم از جبرئیل که نور چیست؟باز هم اون جواب را داد گفت که این نور در آسمان منصوره نامیده می‌شود در زمین فاطمه است من اون سیب را به دستور خدا خوردم در صلب من مبدل به نطفه زهرا علیه الصلاة و السلام شد.بنابراین زهرا علیها السلام صلب آدمیان را طی نکرده ارحام آدمیان را طی نکرده بلکه مستقیما بصورت سیب بهشتی به رسول خدا داده شده است و نطفه اش از همون سیب در صلب رسول خدا منعقد شده ولذا می‌فرمود که دختر من حوراء الانسیه است الحوراء الانسیه یعنی حوریه است و آسمانیه.وجودش آسمانیه بصورت انسان در این عالم متصور شده ولذا من هر وقتی که او را می‌بویم بوی سیب بهشتی را ازش استشمام می‌کنم. در زیارت هم می‌خوانیم وَ تُفَّاحَةِ الفِرْدَوسِ وَ الخُلْد بنابراین مسیر خلقت زهرا علیها السلام یک مسیر خاصی ست جدا از مسیر تمام مخلوقات آدمیان حتی جدا از مسیر خلقت پدر بزرگوارش برای اینکه پدرش او هم در سیر جسمانی اصلاب و ارحام مادران پدران را طی کرده صلباً بعدِ صلبٍ بطناً بعد بطنٍ آمده بدنیا آمده اما زهرا علیها السلام نه اصلاب و ارحام پدران را طی نکرده.گویی که این پرده نشین حریم الهی همۀ عالم به او نامحرم بوده اند و اصلا او با هیچ صلبی و هیچ بطنی از آدمیان تماس پیدا نکرده هیچ صلبی و هیچ بطنی اهلیت تماس با اون عصمت کبری نداشته او باید از همۀ عالم در پرده باشد او باید در حجاب باشه تا وقتی که رسول خدا امتحان امانت خود را در پیشگاه خدا داده و امین خدا شناخته شده بنا شد که این امانت آسمانی بدست این امین الهی سپرده شود اما کجا سپرده شود؟نه در زمین باید بیاد در آسمان در ملکوت اعلی در حضور فرشتگان حَمَلۀ عرش خدا اونجا این امانت به امین سپرده شود ولذا این تشریفات به میان آمد که جبرئیل امین مأمور شد برود او را به آسمانها دعوت کند.ملتزم رکاب این مهمان عالیقدر باشد ولذا رفت در عالم ملکوت اعلی و آسمانها اونجا فرمود که سیبی به دست من دادند و سیب را خوردم و در صلب من مبدل به نطفۀ زهرا علیها السلام شد.این امانت را این امین خدا در آسمان گرفت و به زمین برگشت.

إنَّا عَرَضْنَا الأَمَانَةَ عَلَی السَّمَاواتِ وَ الأرضِ وَ الجِبَالِ فأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الإنسَانُ[[6]](#footnote-7)1

اون امانت کبری الهی اونی که فرشتگان بزرگ و انبیاء و رسل تاب و تحمل اون را ندارند که اون امانت را تحمل کنند در مقابلشان چشم ها خیره می‌شود یَکَادُ سَنَا بَرْقِهِ یَذْهَبُ بِالأبصَارِ[[7]](#footnote-8)2

فأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا هراسان و ترسان باید عقب بروند چشم ها خیره می‌شود چرا چون خود قرآن فرمود:

کَلَّا وَ القَمَرِ\*وَ اللَّیلِ إذْ أَدبَرَ\*وَ الصُّبحِ إذَا أَسْفَرَ\*إنَّهَا لَإِحْدَی الکُبَرِ[[8]](#footnote-9)1 به بیان امام باقر علیه السلام ذیل همین آیه هست که قسم به ماه فروزان و صبح درخشان که زهرا علیها السلام یکی از آیات کبرای الهیۀ است. إنَّهَا لَإِحْدَی الکُبَرِ از آیات بزرگ الهی ست ولذا کو اون قدرت قهّار که بتواند این نور قاهر را بگیرد وتحمل کند او نبود فقط همون پدر بزرگوار خاتم الأنبیاء صلّی الله علیه و آله و سلّم حَمَلَهَا الإنسَانُ تنها اون انسان کامل بود که بتواند این نور قاهر را این عمارت کبرای الهی را بپذیرد ولذا بردند به عالم والا در اونجا این امانت را گرفت و به زمین برگشت.بار دیگر برای اینکه از صلب او به رحم خدیجۀ کبری علیها السلام این زن فوق العاده با سعادت که توانسته است این امانت را هم در مرتبۀ دوم تحمّل کند بنا شد از صلب اون حضرت به بطن خدیجۀ کبری منتقل بشود دوباره یک برنامۀ آسمانی دیگری جریان پیدا کرد.دوباره دستور رسید به رسول خدا چهل شبانه روز باید از رفتن به خانۀ خدیجه خودداری کنی در تمام این مدت شب ها شب زنده دار مشغول مناجات با خدا روزها روزه دار که آمادگی پیدا کند که دوباره این برنامه اجرا بشود چهل شبانه روز مشغول مناجات و راز و نیاز با خدا و روزها روزه دار و شب ها شب زنده دار تا روز آخر جبرئیل و میکائیل علیهم السلام نزول کردند و آب و طعامی از آبها و طعام های بهشتی آوردن رسول خدا با همون افطار کرد و به خانه تشریف فرما شد که نور صدیقۀ کبری علیها السلام از صلب رسول خدا به بطن خدیجۀ کبری منتقل شد ولذا این نور پاک اصلاب پدران و ارحام مادران را طی نکرده مستقیما به دست قدرت پروردگار به صلب رسول خدا و از آنجا به رحم خدیجۀ کبری علیها السلام بدنیا آمده ولذا گفتیم که مسیرش مسیر خاصیه.بنابراین پیغمبر اکرم سیر جسمانیش به همین کیفیت بوده اصلاب پدران و ارحام مادران طی کرده و او فرزند آدم است از جهت جسمانیتش فرزند آدمه اما زهرا علیها السلام دختر آدم حساب نمی‌شود بلکه مادر آدم هست رسول خدا سیر جسمانیش فرزند آدم است در جنبۀ روحانی پدر آدم است زهرا علیه الصلاة و السلام مادر آدم ابوالبشر هست بلکه مادر پدر بزرگوارش از سیر جسمانی که ام ابیها نه تنها او مادر حسن و حسین علیهم السلام است نه تنها مادر آدم و نوح و ابراهیم خلیل و زمین و آسمان بلکه از عجائب مادر پدر بزرگوارش خاتم پیغمبران أُمُّ الائِمَّةِ العُقولِ الغُرِّ بَل امُّ أبیها وَ هُوَ عِلَّةُ العِلَلْ [[9]](#footnote-10)1 در حالتی که خود رسول اکرم عِلَّةُ العِلَلْ هست همون کسی که خودش عِلَّةُ العِلَلْ هست اما مولود زهرا علیها السلام ام ابیها

أُمُّ الائِمَّةِ العُقولِ الغُرِّ بَل امُّ أبیها وَ هُوَ عِلَّةُ العِلَلْ

روحُ النَّبیِّ فی عظیمِ المَنزِلَه

جان پیغمبر حساب شده روحُ النَّبیِّ فی عظیمِ المَنزِلَه نه فقط حیات آدم به روحشه اگر روح نباشه در این جسد خب نیست دیگه چیزی نداریم روحُ النَّبیِّ فی عظیمِ المَنزِلَه ولذا می‌فرمود: بضعةٌ منِّی نه تنها پارۀ تن من بلکه ثَمَرةُ فؤادی میوۀ قلب من نور چشم من بلکه روحیی الَّتی بینَ جنبَیهِ اون روح من در تن من روح النبیِّ فی عظیمِ المنزِلَه وَ فی الکِفآءِ کُفوُ مَن لا کُفوَ لَه در مقام زوجیت هم هم تراز است با اون کسی که بی همتراز است وَ فی الکِفآءِ کُفوُ مَن لا کُفوَ لَه

فیض نخست و خاتمه نور جمال فاطمه چشم دل از نظاره در مبدأ و منتهی کند

وهم، به اوج قدس ناموس اله کی رسد؟ فهم، که نعت بانوی خلوت کبریا کند؟[[10]](#footnote-11)2

ولذا از امام باقر علیه السلامه که در ذیل این آیۀ شریفه

کَلِمَةً طَیِّبَةً کَشَجَرَةٍ طَیِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِی السَّمَاءِ\* تُؤْتِی أُکُلَهَا کُلَّ حِینٍ بإِذْنِ رَبِّهَا[[11]](#footnote-12)3

فرمود: الشَّجَرَةِ الطَّیِّبة رسول الله (ص) و فرعُهَا علی و عنصر الشَجَرَةُ فاطمه و ثَمَرَتُهَا اولادها و اغصانها و اوراقها شیعتها [[12]](#footnote-13)4 فرمود اون درخت طیب و طاهر رسول خداست و ساقۀ اون درخت علی مرتضی علی علیه السلام است و عنصر اون درخت فاطمه علیها السلامه.عنصر اونی ست که مایه و قِوام درخت باشد و بارور شدن درخت به اون بستگی دارد عنصر درخته اونی که قِوام درخت بسته به اوست بارور شدن درخت بسته به اوست عنصر این درخت فاطمه علیها السلام است یعنی اوست که این درخت نبوت را به ثمر رسانده محصول نشانده است که اگر او نبود شجرۀ نبوت محصولی نمی‌داد ولذا اون حدیث بنده گرچه متون حدیثی ندیدم ولی خب کسانی که نقل می‌کنند مورد وثوقند اگر این حدیث را هم اگر سندش درست باشه از جهت دلالت درسته که لولاک لَما خَلَقْتُ الأفلاک و لو لا علیٌ لَما خَلَقْتُک و لو لا فاطمه لَما خَلَقتُکُمَا[[13]](#footnote-14)1 عرض کردم حدیث را خودم برخورد نکردم در متون حدیثی اما کسی که نقل می‌کنند مورد وثوقند حتما دیده اند اساسی دارد که متنا درسته حالا سند اگر درست باشه متنش اشکال نداره که اگر تو نبودی عالم را خلق نمی‌کردم علی نبود تو را خلق نمی‌کردم اگر فاطمه علیها السلام نبود هر دوی شما را خلق نمی‌کردم چون هدف خلقت اینست که بشر به حیات ابدی برسد رسول خدا هست دین بیاورد علی مرتضی هم دین را تبیین کند و حفظ کند و فاطمه علیها السلام با آوردن فرزندانی مانند امام حسن و امام حسین علیهم السلام و امام صادق علیه السلام و امام زمان ارواحنا فداه این دین را در مقام اجرا درآورند و سعادت بشر را تأمین کنند اگر فاطمه علیها السلام نبود خب معلومه غوغای کربلا هم نبود امام صادق علیه السلام و اون بسط فرهنگ اسلامی هم نبود امام زمان ارواحنا فداه و اون اجرای عدالت کلی در عالم و اصلاح کلی عالمو رساندن بشر به هدایت اون هم نبود بنابراین عنصر همون فاطمه علیها السلامه.اونی که قِوام درخت بستگی به اون دارد و درخت نبوت اگر بخواهد بارور بشود با وجود اوست او صدیقۀ کبری علیه الصلاة و السلامه این چند جمله حالا ما همه جمع میشیم دور هم اینو میگیم عرض شد که به قدری که قصور داریم عجز داریم همین قدر از دور یه شبهی می‌بینیم چیزی می‌گوییم ولی فرموده اند از شما انتظار داریم که طبق مکتب ما عمل کنید با ما دوستید شما مَن أَحَبَّنا فَلیَعمَل بَعَمَلِنا[[14]](#footnote-15)2 از ما انتظار دارند تنها اکتفا به این نمی‌کنند که ما دور هم جمع بشیم چراغی روشن کنیم مثلا یه سفره ای پهن کنیم و یه شعاری بدهیم و سرودی بخوانیم و یه حرفی بزنیم به این تنها اکتفا نمی‌کنند خیر از شما انتظار عمل داریم مَن أَحَبَّنا فَلیَعمَل بَعَمَلِنا وَلیَستَعِن بِالوَرَع پرهیزکار باشید فَإِنَّهُ أفضَلُ ما یُستعانُ بِهِ فی أمرِ الدُّنیا وَ الآخِرَة از ما بگیرید سعادت دنیا و آخرت شما در ورعه پرهیزکار باشید حرام خواری و حرام کاری را در زندگی تان راه ندهید از شما انتظار این را داریم.مولی المتقین علیه السلام می‌فرمود یا أهلَ العِراقِ نُبِّئْتُ أنَّ نِسَاءَکُم یُدافِعنَ الرِّجالَ فی الطَّریقِ[[15]](#footnote-16)1 ای مردم کوفه من شنیده ام که زن های شما توو راه که می‌روند با مردها تنه به تنه می‌زنند راه که می‌روند توو راه که می‌روند به مردها برخورد می‌کنند أَ مَا تَسْتَحُونَ حیا نمی‌کنید؟ علی مرتضی می‌فرمود أَ مَا تَسْتَحُونَ وَ لا تَغَارُونَ نِسَاؤُکُمْ یَخْرُجْنَ إلَی الأسْوَاقِ یُزَاحِمْنَ العُلُوجَ حیا نمی‌کنید شما خجالت نمی‌کشید غیرت خود را از دست داده اید زنان شما بیایند توی بازارها با مردان اجنبی در تزاحُم باشند.میگیم یا امیر المومنین زندگی ما به این کیفیته ها زن های ما چجورین؟چجور با مردهای ما در اختلاطند.این دیگه مطرود شده واقعا از مد افتاده در میان ما اینگونه حرفها و هیچ میگن زهرا علیها السلام وقتی رسول خدا سوال کرد از مردم که برای زن چه چیز خوب است؟هیچ کس جواب نداد.مولی المتقین برخاست می‌دانستند هم خودش می‌دانست هم مولی المتقین علیه السلام می‌دانست ولی خواستند از کلام خود زهرا بگیرند و به زن ها برسانند.مولی المتقین آمد توو خانه فرمود: یا بنت رسول الله پدر شما از مردم پرسید برای زن چه چیز خوبه؟جواب داد پیام ببرید که لا تَری رجُلاً و لا یَراها رجُلٌ [[16]](#footnote-17) نه مردی او را ببیند نه او مردی را ببیند حالا این حرفها اصلا دیگه رواج داره مثلا به این کیفیت؟تا میرسیم به این نحوه ای که ما داریم آیا مرضی زهرا علیه الصلاة و السلام هست؟اینگونه اختلاطی که مردان و زنان دارند و زن ها و دخترها به بهانۀ حجاب اسلامی یه چیزی سر خود می‌بندند و موهاشان بیرون هست و بعد هم تمام صفحۀ صورت و اینها بیرون هست و آیا بدون آرایش مگر هیچ جذبه نیست؟یعنی این زن جوان در مقابل مرد جوان هیچ جذبه ای ندارد؟دیگه همش تعطیل شده یعنی غریزۀ جنسی از بین رفته دیگه.یعنی اینجوریه یعنی چنین انقلابی در فکر ما حاصل شده که دیگه غریزۀ جنسی مُرده دیگه هیچ وقتی زن جذبه ای ندارد در مقابل مرد اینجور هست که اگر زیبایی اش بر ملا بشود و صحبت شیرین و دلنشینی که دارد خب مسلما زن را خدا جوری آفریده که دل نشینه یعنی رفتارش جذب دارد گفتارش جذبه دارد خالق اینجور خلق کرده آیا اینجور نیست؟زن میاد توو مردها صحبت کند برای دفاع از دین و راجع به زهرا علیها السلام و صحبت کند گاهی سرود بخوانند آیا اینها را اجازه می‌دهند به این کیفیت؟اصلا دین اسلام راضی هست به این کیفیت که ما داریم؟اسلام ناب هم باشه آیا درست هست این؟بهرحال ما هر چه فکر می‌کنیم و گفتارشان و رفتارشان مکتبشان با روش ما نمی‌سازد به ما گفته اند که از مکتب ما تبعیت کنید مَن أَحَبَّنا فَلیَعمَل بَعَمَلِنا وَلیَستَعِن بِالوَرَع [[17]](#footnote-18)1 از شما ورع و پرهیزکاری می‌خواهیم تَعْمَلُونَ لِلدُّنیا و أنتُم تُرزَقُونَ فِیهَا بِغَیْرِ عَمَلٍ [[18]](#footnote-19)2 در دنیا اینقدر دوندگی می‌کنید برای منافع مادّیتان و حال اینکه خدا روزی شما را بعهده گرفته ولی برای آخرتتان که بعدۀ شما واگذار کرده هیچگونه فعالیت و جوش و خروش نشان نمیدید تَعْمَلُونَ لِلدُّنیا و أنتُم تُرزَقُونَ فِیهَا بِغَیْرِ عَمَلٍ وَ لَا تَعْمَلُونَ لِلْآخِرَةِ وَ أنتُمْ لَا تُرْزَقُونَ فِیهَا إلّا بِالعَمَل عالم آخرت شما تنها عمل از شما خواسته اند جز عمل نمیشه با آرزو نمی‌شود وَ أَنْ لَیْسَ لِلإنْسَانِ إلَّا مَا سَعَیٟ[[19]](#footnote-20)3 در دنیا بعهده گرفته اند شما انقدر می‌دانید اونی که بعدۀ شما گذاشته اند باکی ندارید در رها کردنش.این هم حالا چند جمله ای که موعظه فرمودند بهرحال شب بزرگ ماست و نعمت بزرگ خدا بر ما عنایت شده اون شخصیت عالم عرشی را تنزل داده است در این عالم بصورت یک انسانی در میان ما به گردش دراورده که دست ما به دامن رحمت او برسد یعنی زهرا علیها السلام مظهر رحمت خداست رأفت خداست مادر رأفت خاصی دارد غیر رأفت پدر.مادرانه با ما ان شاء الله عمل خواهد کرد روز قیامت هم ما تمام چشم امیدمان به کف با کفایت زهرا علیها السلامه که اون روز هم به ما وعده داده اند اگر سالماً بتوانیم این محبتی که داریم با سلامت از گذرگاه این دنیا عبور بدهیم ببریم اون روز خیلی بهره ها خواهیم داشت در شب اول قبرمان در مراحل برزخ و محشر و همۀ مراحل ان شاء الله امیدوار هستیم مشمول رأفت و رحمتشان باشیم ان شاء الله.

پروردگارا به حرمت صدیقۀ کبری علیها السلام در فرج امام زمان ما تعجیل بفرما

معرفت و محبتشان را لحظه به لحظه در دلهای ما بیافزا

پروردگارا حسن عاقبت به همۀ ما عنایت بفرما

مشکلات دینی و دنیوی ما را حل بفرما

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

1. .سورۀ نور، آیۀ 43 [↑](#footnote-ref-2)
2. 1 .زیارتنامه حضرت زهرا سلام الله علیها [↑](#footnote-ref-3)
3. 1.المحتضر، جلد 1، صفحه 285 [↑](#footnote-ref-4)
4. 1 . ابن فارض [↑](#footnote-ref-5)
5. 2 .مولوی [↑](#footnote-ref-6)
6. 1.سورۀ احزاب، آیۀ 72 [↑](#footnote-ref-7)
7. 2. سورۀ نور، آیۀ 43 [↑](#footnote-ref-8)
8. 1 سورۀ مدثر، آیات 32 الی 35 [↑](#footnote-ref-9)
9. 1.اشعار مرحوم آیت الله غروی(کمپانی] [↑](#footnote-ref-10)
10. 2.همان [↑](#footnote-ref-11)
11. 3.سورۀ ابراهیم، آیۀ 24 و 25 [↑](#footnote-ref-12)
12. 4.مجمع البحرین، ص 256، ماده شجر [↑](#footnote-ref-13)
13. 1 .عوالم العلوم، ج 11، ص 43 [↑](#footnote-ref-14)
14. 2 .تحف العقول، 104 [↑](#footnote-ref-15)
15. مشکاة الأنوار، ج1، ص 237 [↑](#footnote-ref-16)
16. . بحار الانوار، ج43، ص 84 [↑](#footnote-ref-17)
17. 1 . تحف العقول، 104 [↑](#footnote-ref-18)
18. 2 .الکافی، جلد 2، صفحه 319 [↑](#footnote-ref-19)
19. 3 .سورۀ نجم، آیۀ 39 [↑](#footnote-ref-20)